فصلنامه مددکاری اجتماعی
و
بهزیستی اجتماعی

بررسی رابطه بین ویژگی‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی با اتهام مراجعین محاکم قضائی درشهرستان‌های رباط‌کریم و بهارستان

دکتر بهلول محمدی[1]، مریم عبدیان[2]

شماره ۳
سال اول
بهار ۱۴۰۱

چکیده

پرونده شخصیت یکی از دستاوردهای جرم‌شناسی و ابزاری مفید در حقوق کیفری می‌باشد که با آگاهی از ویژگی‌های شخصیتی مرتکب جرم،می‌تواند در امر صدور حکم نسبت به مجازات‌های تکمیلی و ترمیمی اقدام نماید. زیرا یکی از اهداف مجازات، اصلاح و بازپروری و بازسازی اجتماعی می‌باشد که این امر، مگر با مطالعه و شناخت شخصیت و آگاهی از ویژگی‌های، اقتصادی، اجتماعی و محیط تولد و زندگی مرتکب جرم ممکن نیست. پژوهش حاضر از دسته تحقیقات پیمایشی بوده که به مطالعه رابطه بین ویژگی‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی با اتهام مراجعین محاکم قضائی پرداخته، داده‌های مورد نیاز جهت آزمون فرضیات از طریق پرسش‌نامه محقق ساخته همراه با مصاحبه به دست آمده است. تعداد جمعیت آماری این پژوهش با روش نمونه‌گیری در دسترس ۵۲ نفر می‌باشد که شامل افرادی هستند که از طریق محاکم قضائی جهت ارزیابی و تکمیل پرونده شخصیت در سال ۱۳۹۷و ۱۳۹۸ به ادارات بهزیستی شهرستان های رباط کریم و بهارستان ارجاع داده شده‌اند. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری spss و از طریق آزمون‌های آماری خی دو و وی کرامر صورت گرفته است. یافته‌های حاصل نشان می‌دهد که بین ویژگی‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی و ارتکاب جرم رابطه معناداری وجود دارد. به طوری که ویژگی‌های شخصیتی افراد و محیطی افراد در به وجودآمدن رفتارهای مجرمانه نقش دارد.

کلیدواژه‌ها: پرونده شخصیت – جرم- حقوق کیفری - اصلاح و بازپروری اجتماعی- مددکاری اجتماعی.

۱ دکتری مدیریت بحران، مدرس دانشگاه علمی و کاربردی
۲ کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی تهران maryam.abdian069@gmai.com

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

مقدمه

پرونده شخصیت که ضرورت تشکیل آن در رسیدگی کیفری از نیمه دوم قرن بیستم مورد توجه قرار گرفته، به پرونده‌ای اطلاق می‌گردد که در کنار پرونده کیفری تشکیل می شود و مشتمل بر اطلاعاتی از وضعیت عمومی و خاص مجرم، مانند شرایط روانی، خانوادگی، تحصیلی و اجتماعی است. (شاملو و گوزلی؛ ۱۳۹۰: ۹۰)

این پرونده که از دستاوردهای مهم در حوزه جرم‌شناسی است، از مجموعه اطلاعات شخصی و خانوادگی مجرمان در دستگاه قضایی تشکیل می‌شود و هدف آن دستیابی به اهداف مجازات‌ها و به علاوه فردی کردن تطبیق اعمال مجازات بر شخصیت فرد است، عوامل مهمی مانند جنس، حسن سابقه، سوءسابقه، سابقه محکومیت کیفری، وضعیت جسمانی، روانی، اقتصادی، خانوادگی، اجتماعی و... از مؤلفه های لازم برای تشکیل آن به حساب می‌آیند. با توجه به قانون مجازات اسلامی تازه تصویب و روی آوردن آن به دستاوردهای نوین جرم‌شناختی که در بخش کلیات آن بیشتر به چشم می آید، به نظر می‌رسد که قانونگذار به صورت تلویحی لزوم تشکیل پرونده شخصیت را پذیرفته است و صرفاً دلیل عدم‌الزام رسمی دادگاه‌ها به تشکیل آن را جلوگیری از تحجیم کار در مراجع قضایی می‌توان جست و جو کرد. (محمدیان و رضاپور۱۳۹۲:۳۳۴).

در حقوق کیفری ایران در برخی از قوانین به صراحت به لزوم تشکیل پرونده شخصیت در مواد ۱۸۸،۱۵۲،۶۴،۶۰،۴۳،۳۸،۳۷،۱۸...، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۲۲۲ آیین دادرسی کیفری به طور ضمنی، و مواد ۴۷ و ۶۴ آیین‌نامه اجرای سازمان زندان‌ها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴ در مرحله اجرای مجازات حبس صراحتا" به تشکیل پرونده شخصیت اشاره شده است.

بر این اساس به منظور پی بردن به زوایای شخصیت متهم یا مجرم، تشکیل پرونده‌های تحت عنوان «پرونده شناسایی شخصیت» در کنار پرونده قضایی که در تنظیم Hk روان‌شناس، جامعه‌شناس، مددکار اجتماعی و... نقش اساسی تدوین آن دارند، ضروریات یک دادرسی کیفری عادلانه محسوب می‌گردد، تا مقام قضایی با مراجعه به آن پرونده و اشراف بر ابعاد مختلف شخصیت بزهکار بتوانند در راستای فردی کردن رسیدگی‌های کیفری و تصمیمات قضایی، عادلانه‌ترین تصمیم را جهت بازسازگاری و یا تنبیه مجرم اتخاذ کند (همان:۳۳۳).

نظر به اینکه مرحله مقدماتی تحقیقاتی در حقوق کیفری، نقش مهمی در محتوای قرارها و در نهایت آرای کیفری ایفا می‌کند، بنابراین لحاظ جنبه‌های انسانی جرم با

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

مطالعه پیشینه خانوادگی، تحصیلی، روانی، جسمانی مرتکب جرم، انگیزه‌های ارتکاب جرم و برخی مولفه‌های دیگر، قاضی کیفری را در جهت تعیین ضمانت اجرای کیفری متناسب با آن شخصیت هدایت می‌کند (شاملو:۱۳۹۰)

تارد در کتاب فلسفه کیفری، تأثیر محیط و اطرافیان را در بزه‌کاری حایز اهمیت دانسته، همچنین در کتاب مطالعات کیفری و اجتماعی می‌نویسد: «اکثر قاتلین و سارقین افرادی هستند که از دوره طفولیت طرد شده، بدون حامی و همچنین هادی، خود سربار آمده‌اند، کوچه برای آنان محل آموزش بزه‌کاری بوده و با پذیرش عضویت در باند بزه کاران، ارتکاب بزه را به عنوان شغلی انتخاب نموده اند» (تاج زمان،۱۳۶۲-۳۳۱-۳۳۲). آنچنان که در نظریات دورکیم نیز بر تاثیر جامعه و الگوهای اجتماعی در تربیت هر فرد تاکید شده است.

بنابراین محکوم کردن یک مجرم بدون در نظر گرفتن سوابق اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و شخصیت فرد و اثرات اجتماعی که تحمل نموده است، صحیح نیست و دادرس نباید میزان تاثیر عوامل روانی و اجتماعی را در جرم ارتکابی، از نظر افکند، آنچنان که اگوست کنت نیز معتقد است جرم یک پدیده اجتماعی و دارای منشاء اجتماعی است. با پرداختن به این مباحث است که زمینه برای گسترش اجرای عدالت ترمیمی و اقدامات تامینی و تربیتی موثربا جهت‌گیری پیشگیری فردی (پیشگیری از تکرار جرم در آینده، واکنش حمایتی و یا به عبارت دیگر، بازسازی اجتماعی، فراهم خواهد آمد. تا بین مرتکب جرم با معیارهای قابل قبول زندگی سازشی حاصل شده و حالت‌های خطرناک وی از طریق اطلاح و تربیت مجدد خنثی گردد. بنابراین صرف استفاده از ابزارهای کیفری جهت اصلاح مجرمان کافی نبوده و امکان باز اجتماعی کردن افراد و به عبارت دیگر پیشگیری از بازگشت مجدد به رفتارهای مجرمانه و نیز لازمه فردی کردن اعمال مجازات بر متهم وابسته به درک سوابق اجتماعی، خانوادگی و آگاهی از شیوه تفکر، نگرش و شخصیت‌شناسی افراد است. که این امر در سایه تشکیل پرونده شخصیت برای مرتکبان جرم محقق می‌شود.

حال سوال اساسی که این پژوهش در مقام پاسخ به آن است، این است که آیا میان ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی، و شخصیتی افراد با گرایش به ارتکاب جرم افراد رابطه‌ای وجود دارد یا خیر؟

در نگاه به مبانی نظری و بررسی انواع تبیین های مربوطه به کژ رفتاری به طور مختصر می‌توان دو دسته‌بندی را مطرح کرد:

الف) تبیین‌های روانشناختی کژرفتاری اجتماعی

بسیاری از روان‌شناسان و روانکاوان علل رفتارهای انحرافی را بر حسب نقص شخصیت فرد کج‌رو توجیه و تبیین می‌کنند.. بر این باورند که برخی گونه‌های شخصیت بیشتر از گونه‌های دیگر گرایش به تبهکاری و ارتکاب جرم دارند.در واقع آنان کژرفتاری‌ها را

شماره ۳
سال اول
بهار ۱۴۰۱

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

به تجربه‌های تلخ دوران کودکی که معلول روابط ناسالم بین فرد و محیط اجتماعی او است، نسبت می‌دهند. شخصیت را روش خاص هر فرد در جستجوی پیدا کردن و تفسیر معنای زندگی می‌دانند. در تکوین شخصیت دو عامل کلی زیستی و اجتماعی نقش دارند. عوامل زیستی معمولا به ارث می روند و از همان بدو تولد در فرد وجود دارند و عوامل اجتماعی محصول محیط اجتماعی هستند؛ یعنی خانواده، مدرسه، اطرافیان و تجربه‌های دوران کودکی. از نظر فروید، شخصیت به مانند قطعه یخ شناوری است که بخش عمده آن در زیر آب قرار گرفته است که انسان از آن آگاهی ندارد؛ این بخش ناخودآگاه تبیین‌کننده رفتارهای انسان است (ستوده،۱۳۸۳:۱۰۵-۱۰۶)

چنانچه اختلال یا نابهنجاری روانشناختی بر اساس چهار خصیصه تعریف شده است که عبارتند از:

- پریشانی: تجربه عذاب هیجانی یا جسمانی، در زندگی متداول
- اختلال: کاهش توانایی فرد در انجام امور روز مره به‌طوری‌که نتواند کارهایش را به نحو مطلوب انجام دهد.
- به مخاطره انداختن خود و دیگران با کارهایی که انجام می‌دهند.
- به لحاظ اجتماعی و فرهنگی غیرقابل قبول باشد.

ب) تبیین‌های جامعه شناختی کژرفتاری‌های اجتماعی

جامعه‌شناسان ریشه بسیاری از کژرفتاری‌ها را در محیط و شرایط اجتماعی جستجو می‌کنند و علل زیرساز بسیاری از آنها را در خود جامعه می‌دانند. وقتی خواست‌های فرد با انتظارات جامعه هماهنگ و همنوا نباشد، ناهنجاری فرد آغاز می‌شود.

مرتن از جامعه‌شناسان ساختاری در بحث خود تحت عنوان " نابسامانی و ساخت اجتماعی" نابسامانی را با بی ثباتی یکی می‌داند و نیز در ارتباط با این امر از فرو ریختن نظم اخلاقی و فرو پاشیده شدن نهادها سخن می‌گوید (کولب وگولد، ۱۳۷۶:۸۲۸ به نقل ازسام آرام، ۱۳۹۲:۱۴۵). نظریه او درباره فشار ساختی، غالبا" نظریه ناهنجاری نامیده می‌شود. استدلال مرتن از این قرار است که در هرجامعه‌ای، اهداف موفقیت که به لحاظ فرهنگی تعریف شده هستند و ابزارهای مشروع گوناگونی که دستیابی به این اهداف را ممکن می‌سازند؛ وجود دارند. وقتی راه‌های مشروع دستیابی به این اهداف محدود باشد و این محدودیت برای کسانی که به وسایل مشروع دسترسی ندارند، فشاری ساختی میان وسایل و اهداف را به وجود می‌آورد (ترنر ۱۳۷۸:۳۵۲ به نقل از سام آرام،۱۳۹۲:۱۴۵).مر تن نخستین هدف خود را کشف این مساله می‌داند که "برخی ساختارهای اجتماعی، چگونه فشار معینی را به بعضی افراد جامعه وارد می‌آورند که این افراد به جای همنوایی، ناهنوا می‌شوند؟" (مرتن، ۱۹۵۷:۱۲۶). مرتن در مقاله اصلی‌اش، تعاریف دقیقی درباره ساختار فرهنگی و درباره ساختار اجتماعی ارائه نکرد؛ اما معنی‌شان را هنگام تنظیم تبیینش درباره رفتار منحرفانه و نوشته‌های بعدی‌اش روشن ساخت

شماره ۳
سال اول
بهار ۱۴۰۱

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

(مرتن، ۱۹۶۸به نقل از اف مسنر و روزنفلد[1]، ۱۳۹۲:۱۶۸). عناصر اصلی ساختارفرهنگی عبارتند از: اهداف تجویز شده برای فعالیت و وسایل مجاز به لحاظ هنجاری برای تحقق بخشیدن به آن‌ها جزء دیگر سازمان اجتماعی، به مجموعه‌ای سازمان یافته‌ای از مناسبات اجتماعی اشاره می‌کند که اعضای یک جامعه یا گروه به اشکال مختلف درآن درگیر هستند " (همان). مرتن به منظور روشن ساختن این ابزارهای مفهومی اساسی جامعه‌شناختی در تبیین رفتار منحرفانه، عدسی‌های تحلیلی‌اش را بر یک نظام اجتماعی خاص – نظام اجتماعی رایج در ایالات متحده در آمریکا در اوایل قرن بیستم – متمرکز می‌کند. به نظر مرتن ویژگی‌های متمایز این نظام اجتماعی "یکپارچگی نامناسب" است. این نظام اجتماعی به دو مفهوم دارای یکپارچگی نامناسب است:۱- خرده اجزای عمده فرهنگ، فاقد توازن هستند؛ ۲- پیام‌هایی که از ناحیه فرهنگ صادر می‌شود، با واقعیت‌های ساختار اجتماعی ناسازگار هستند. با توجه به ساختار فرهنگی نظام اجتماعی در آمریکا، به طور متفاوت بر اهداف و وسایل تامید می‌شود. فرهنگ، بر تعقیب اهداف به ویژه موفقیت مالی به عنوان یک هدف تاکید زیادی می‌کند و در مقایسه با آن، بر اهمیت استفاده از وسایل تجویز شده به لحاظ هنجاری جهت تحقق اهداف تاکید کمتری می‌کند. بر عکس، اعضای جامعه بیشتر تمایل دارند که انتخاب وسایل، تابع "هنجارهای مربوط به کار آمدی" باشد. آن‌ها مستعد استفاده از وسایلی هستند که صرف‌نظر از وضعیت آن ها از نظر هنجاری، به لحاظ فنی برای رسیدن به اهدافشان مناسب باشند.دومین مفهوم که حسب آن، نظام اجتماعی در ایالات متحده بر طبق نظر مرتن "سوء یکپارچگی" را به نمایش می‌گذارد، روابط متقابل بین فرهنگ و ساختار اجتماعی را دربر می‌گیرد. مرتن بر میزان عام‌گرایانه بودن اهداف فرهنگی تاکید دارد. هر فردی به تلاش برای دستیابی به ثروت ترغیب می‌شود؛ اما ساختار اجتماعی دسترسی به وسایل مقبول به لحاظ هنجاری را به طور نابرابر توزیع می‌کند. فرصت رسیدن به اهداف موفقیت فرهنگی از طریق ابزارهای مجاز بر حسب پایگاه اجتماعی به‌ویژه پایگاه طبقاتی تفاوت می‌کند. دقیقا همین گسست بین ویژگی‌های ساختار اجتماعی (نابرابری فرصت‌ها) و مولفه‌های فرهنگ (اهداف عام فرهنگی) است که انسجام فرهنگ را به تحلیل می‌برد و منجربه آنومی می‌شود (مسنر و روزنفلد، ۱۶۹:۱۳۹۲). مرتن می‌گوید " فرضیه اصلی من این است که رفتار نابهنجار را از دید جامعه‌شناسی می‌توان نشانه از هم گسیختگی بین آرزوهای معین فرهنگی و شیوه‌های ساختاری شده اجتماعی در جهت رسیدن به آرزوها دانست." (مرتن، ۴۳۴:۱۳۷۸). مطابق الگوی مرتن، آنومی فشاری است که هنگام ستیز اهداف اهداف و هنجارهای پذیرفته شده جامعه با واقعیت‌های اجتماعی بر افراد، می‌آید. فرد در چنین شرایطی در تعامل با جامعه دچار تضاد و تضعیف هنجاری می‌شود. این وضعیت، ارزش‌ها و اهداف

1. Steven F.Messner& Richard Rosenfeld

شماره ۳
سال اول
بهار ۱۴۰۱

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

مشترک را از اعضای جامعه می‌گیرد. موجب می‌شود که آنان، دیگر رهنمودهای رفتاری و خطوط راهنمای اخلاقی روشنی را برای خود نیابند. به عقیده مرتن پیامدهای شکاف میان اهداف و وسایل نهادی شده، موجب ضعف تعهد فرد می‌گردد و او را در بی‌هنجاری قرار می‌دهد. فرد در تقابل با تضاد ارزش‌ها و هنجارها، مجبور به انکار و رد یک سری از این هنجارها شده که این امر ممکن است، موجب انحراف و کم روی گردد (سلیمی وداوری، ۳۲۹:۱۳۸۶). بر این اساس مطابق نظریه انومی مرتن می‌توان گفت در جوامعی که افراد در دستیابی به اهداف مطلوب فرهنگی خود با موانعی روبه رو می‌شوند زمینه ارتکاب جرم در آن بالا بوده و افراد جهت تحقق اهداف مشروع به سمت اعمال مجرمانه گرایش می یابند.در جوامعی که مردم نابرابری‌های اجتماعی را تجربه می کنند به ویژه در میان افراد طبقات پایین که مورد نظر مرتن است و در ساختار اجتماعی تحت فشار هستند تفاوت فاحش میان اهداف و امکانات تحقق اهداف، به بروز رفتارهای انحرافی منجر می شود.

به نظر مرتن تعامل بین دو ساخت یعنی اهداف نهادینه و وسایل دستیابی، موجب بروز شخصیت‌های محتلف و گاه متناقض در جامعه می‌شود که در جدول ذیل به آن پرداخته می‌شود.

جدول۱. تئوری مرتن

ردیف		شیوه‌های نهادی شده	اهداف فرهنگی
۱	همنوایی	+	+
۲	نوآوری	−	+
۳	شعائر گرایی	+	−
۴	کناره گیری	−	−
۵	انقلابی	+ −	+ −

طبق نظریه همبستگی اجتماعی، دورکیم براین باور بود که اگر در جامعه‌ای همبستگی اجتماعی نیروی کششی که افراد جامعه را به هم پیوند می‌دهد قوی باشد، اعضای آن احتمالا" با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی همنوا می‌شوند، ولی اگر در جامعه‌ای همبستگی اجتماعی ضعیف باشد ممکن است مردم به سوی رفتارهای مجرمانه کشیده شوند.

بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند نوجوانی دوره‌ای از چرخه زندگی آدمیان است که تبهکاری در طول سال‌های آخر آن به اوج می رسد. زیرا این دوره زمانی است که با ضعیف شدن نظارت والدین و گسترش روابط با گروه‌های مختلفی از همالان، فشارهای اجتماعی ایجاد می‌شود. بسیاری از کودکان با ضربه عاطفی ناشی از گسیختگی خانواده

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

و تغییرات مکرر در ساختار خانواده، خودشان را تحت فشار می بینند و با ورود زودرس به حیطه تمایلات جنسی و استعمال مواد مخدر، از خود واکنش نشان می‌دهند (سیگل، ۱۸۱:۱۹۹۸). همچنین زمانی که به سن بلوغ می رسند، انتظاراتشان زیاد می‌شود و بعضی از آنها قادر به مواجه شدن با تقاضاهای آکادمیک و اجتماعی نیستند. (همان،۱۸۱). آگینو[1] عنوان می‌کند که بزهکاری نتیجه مستقیم تاثیرگذاری منفی خشم، ناکامی و احساسات مضر و زیان آور است که به دنبال مناسبات اجتماعی مخرب و منفی به وجود می‌آید (همان:۱۷۹).

رابرت آگینو برای بازبینی از یک دیگاه اجتماعی – روانی سطح خرد استفاده می‌کند او در درجه اول، مفهوم فشار را فراتر از آنچه که بر اثر اختلاف بین انتظار و آرزو ایجاد می‌شود، بسط می‌دهد تا چندین منبع تنش یا فشار را دربر بگیرد. بنابر نظریه آگینو، جرم نوعی ناسازگاری با تنش، صرف نظر از منبع آن تنش است. او سه نوع عمده ایجادکننده کژروی را شناسائی کرده است. عدم نیل به اهداف فردی، حذف محرک‌های مثبت یا مطلوب از فرد؛ و مواجهه‌ی فرد با محرک منفی.

فشار ایجاد شده به علت عدم نیل به اهداف ارزشمند مثبت

اگینو استدلال می‌کند که عدم دستسابی به اهداف ارزشمند مثبت اولین نوع فشار در نظریه فشار عمومی می‌باشد، که جامعه‌ای با داشتن مشخصه‌ای احتمالاً بیشتر از سایر جوامع سبب انسداد اهداف می‌شود. به طور خاص، چنین جوامعی افراد را به سمت تاکید بیستر بر اهداف خاصی هدایت کرده و دستیابی به چنین اهدافی را برای افراد از طریق کانال‌های مشروع مشکل‌تر می‌سازد (اگینو،۱۲۷:۱۹۹۹). همچنین وی به سه نوع فشار اشاره دارد در مورد نخست، شکافی بین آرزوها و توقعات است که نظریه‌های چیشین چون آنومی مرتن بر آن استوار است. مورد دوم از مبنع فشار در نتیجه مسدود شدن هدف ایجاد می‌گردد که گسستگی بین دستاوردها و توقعات واقعی است. این گسستگی حاصل رفتار فردی است. زمانی که دستاوردهای واقعی فرد کمتر از انتظار اوست، فشار افزایش می‌یابد (اگینو،۵۲:۱۹۹۲). سومین مورد از منابع فشارزمانی است که نتیجه‌ای که فرد انتظار آن را داشته به صورت منصفامنه و عادلانه به دست نیامده است.

فشار در نتیجه حذف انگیزه ارزشمند مثبت از افراد

مطابق نظریه آگینو از دست دادن انگیزه‌های مثبت نیز به نوبه خود می‌تواند موجب ایجاد فشار در افراد شود به طوری که فرد سعی می‌نماید تا آنچه را که از از دست داده است مجدداً بازیافته و یا جایگزینی برای آن بیابد. در این نوع از فشار فرد ممکن است از مبع فشار انتقام گرفته و یا به سمت اعمال بزهکارانه گرایش یابد.

1. Agnew

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

فشار در نتیجه وجود انگیزه‌های منفی

فشار با حضور محرک‌های منفی با مصر نیز می‌تواند ایجاد شود، مانند ترغیب به تعاملات اجتماعی مثل کودک آزاری، تنبیه بدنی، زد و خورد خانوادگی و همسالان، شکست تحصیلی و حوادث تنش‌زای زندگی اعم از تهدیدهای زبانی تا آلودگی هوا (سیگل، ۱۹۹۸:۱۸۰). اگر چه این منابع فشار از یکدیگر مستقل‌اند، ممکن است تداخل داشته باشند و عملاً با هم باشند. همچنین هرچه شدت و تکرار واقعه فشار بیشتر باشد تاثیر آن نیز بشتر است و احتمال بیشتری هم دارد که موجب بزهکاری شود. مطابق گفته‌های آگینو، هر نوع فشار، احتمال مشاهده احساسات و عواطف منفی‌ای مانند ناامیدی، افسردگی، ترس و از همه مهم‌تر خشم را افزایش می‌دهد. خشم نیز حس صدمه دیدن و بی عدالتی را افزایش می‌دهد و همین طور تمایل به انتقام را به وجود می آورد و افراد را برای عمل کردن بر نی‌انگیزد و موانع آن را نیز کاهش می‌دهد (همان)

نظریه برچسب‌زنی یکی از دیگر از نظریه‌هایی است که در باب انحرافات اجتماعی به بحث پرداخته است. به نظر داگلاس و اسکات، انحراف کیفیت کنش فردی که مرتکب می‌شود نیست بلکه نتیجه کاربرد مقررات و تنبیهاتی است که نسبت به مجرم توسط دیگران درنظر گرفته می‌شود. هاوارد بکر (۱۹۶۳) می‌گوید "مجرم کسی است که برچسب خورده و جرم رفتاری است که دیگران به آن برچسب زده‌اند." (hagan.1988:43). واکنش اجتماعی به انحراف زمینه تکرار جرم و چذیرش هویت مجرمانه، منزوی شدن فرد و محدود شدن فرصت‌ها را بر وی اعمال می‌کند.

مطابق این رویکرد رفتار به خودی خود کجروی محسوب نمی‌شود بلکه این مردم و گروه‌های فرهنگی هستند که به این رفتارها عنوان جرم "برچسب" می‌زنند (ستوده،۱۳۸۳:۱۵۳).

شاو و مک کی از نظریه‌پردازان مکتب بوم‌شناسی معتقدند، جابه‌جایی زیاد جمعیت، از شکل گرفتن جامعه با ثبات جلوگیری می‌کند و به بی سازمانی اجتماعی منتهی می‌شود. (ستوده،۱۳۹۵:۱۵۳-۱۵۴).

بوم‌شناسی یکی از رویکردهای مطرح در حوزه بی‌سازمانی اجتماعی[1] بوده که از آن برای تبیین الگوهای جرم در یک شهر استفاده می‌شود. به اعتقاد پارک محیط فیزیکی شهر با الگوهای فرهنگی – اجتماعی، جمعیت شهری و زندگی شهرنشینی را در هم تنیده است. وی بر این باور است که نواحی شهری از انگیزه‌ها و غرایز ساکنان ممانعت می‌کند و انحرافات اجتماعی را سبب می‌شود. سازمان فیزیکی شهر تاثیر عمیق بر الگوهای فرهنگی – اجتماعی زندگی شهری دارد (احمدی، ۱۳۸۴:۵۶). یکی از پیش فرض‌های اساسی پارک این است که آن دسته از حوزه‌های درون شهرهای تجاری و

1. Social disorganization

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

صنعتی که به لحاظ اجتماعی دچار بی‌سازمانی اجتماعی شده اند ارزش‌ها و سنت‌های بزهکارانه و جنایی را توسعه می‌دهند (همان).

شاو و مک کی بی‌سازمانی اجتماعی را به وضعیتی اطلاق می‌گردند که در آن، نهادها و سازمان‌های اجتماعی مانند مدرسه، خانواده و پلیس درحل مشکلاتی که اجتماع با ان مواجه است، توانایی خود را از دست می‌دهند یا به عبارتی به وضعیتی اشاره دارد که مکانیزم کنترل اجتماعی تضعیف می‌گردد (جنسن، ۱:۲۰۰۳). بوم‌شناسی در شهر شیکاگو با تاکید بر نحوه توزیع فعالیت‌های اجتماعی در فضا و زمان شکل می گیرد. از نظر شاو و مک کی بی‌سازمانی اجتماعی برآمده از سه عامل اصلی: صنعتی شدن، شهرنشینی و سایر تغییرات اجتماعی است (فلگی، ۴:۲۰۰۳).

شاو و مک کی دو منطقه حومه و مرکز شهر را به عنوان مناطق مرفه و فقیرنشین مورد کاوش قرار داده‌اند که هر دو قلمرو دارای مزان بالایی از نقل و انتقالات جمعیتی بوده و گونه‌های متفاوتی از قومیت‌ها را در خود پذیرا شده است. همچنین اوضاع و اخوال مناطق فقیرنشین، نشان از جاذبه‌های خاص این مناطق (میزان پایین اجاره‌بها و...) به ویژه در جذب گروه‌های کم درآمد و مهاجر خارجی به سوی خود داشت؛ یعنی گروه‌هایی که از یک سو، توان مقابله با دارودسته‌های بزهکار موجود در آن مناطق را نداشتند و از یوی دیگر، قاد رنبودند تا از جامعه‌پذیر شدن فرزندان خویش در محیط جدید و همنوایی آنان با هنجارهای رایج جلوگیری کنند. به نظر آن دو، این وضعیت موجب تضعیف کنترل اجتماعی غیررسمی در میان آن گروه‌ها شده و دور شدن فرزندان از خانواده و پیوستن آنها به دسته‌های بزهکار را به دنبال خواهد داشت. به نظر آنه اعلت اصلی بقای سنت جرم در این مناطق، از هم پاشیدگی و ناکارآمدی نظام کنترل اجتماعی در دو سطح خانواده و جامعه می‌باشد (سلیمی، ۳۲۴:۱۳۸۶-۳۲۳).

به عبارت دیگر فقدان کنترل اجتماعی غیر رسمی کلید تبیین انحرافات اجتماعی در بی‌سازمانی اجتماعی می‌باشد وقتی افراد خود را از فشار افکار عمومی و نظارت‌های غیر رسمی رها می‌یابند، زمینه برای بروز کج‌رفتاری‌ها فراهم می‌گردد. بی‌سازمانی کنترل اجتماعی را تضعیف ساخته و این عامل اساسی رفتارهای کج روانه است.

بی‌سازمانی فرایندی را به وجود می‌آورد که موجب کاهش کنترل رسمی (پلیس) و غیر رسمی (خانواده و محله) می‌گردد که خود زمینه پیدایش بزهکاری و باندهای تبهکاری را فراهم می‌کند که در نهایت منجر به ایجاد سنت بزهکاری و انتقال آن از نسلی به نسل دیگر می‌گردد (شاو و مک کلی،۲۲۵:۱۹۶۲). فرضیه کلی آنها این بود که پایگاه اقتصادی پایین، تحرک مسکونی و فروچاشی خانواده منجر به بی‌سازمانی اجتماعی می‌گردد که به دنبال آن میزان جرم و بزهکاری در اجتماع افزایش می‌یابد. در این مدل، سازمان اجتماعی توسط معرف‌هایی از قبیل: شبکه‌های دوستانه محلی، کنترل گروه‌های همسالان و گسترش مشارکت سازمانی مطرح گردیده است. آنها مدل مدل خود را مورد آزمون قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که تغییرات موجود

شماره ۳
سال اول
بهار ۱۴۰۱

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

در بی‌سازمانی اجتماعی تحت تاثیر ویژگی‌های ساختاری اجتماع قرار گرفته و میزان جرم و بزهکاری را افزایش داده است (وینفری، ۲۱۷:۱۳۸۸).

روش‌شناسی

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه متهمان محاکم قضایی است که در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ از طریق محاکم قضائی جهت تشکیل پرونده شخصیت به ادارات بهزیستی شهرستان‌های رباط کریم و بهارستان ارجاع داده شده‌اند. که در مجموع ۵۲ نفر است که کلیه آنها در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند.

روش پژوهش حاضر اسنادی و پیمایشی است. از آنجا که محقق جهت سنجش و شناسایی تحقیقات قبلی و بررسی مبانی نظری از کتاب های و مقالات و... استفاده کرده و نیز به جهت تعمیم یافته ها از یک گروه آماری به جامعه آماری از روش پژوهش پیمایشی استفاده شده است. روش گردآوری اطلاعات دراین پژوهش میدانی بوده، ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسش نامه محقق ساخته، مصاحبه و فیش‌برداری می‌باشد. داده‌ها در دو سطح توصیفی و استنباطی از شرکت‌کنندگان در پؤ.هش جمع‌آوری شده و با استفاده از نرم‌افزار آماری spss وآزمون آماری ناپارامتریک خی دو و وی کرامر رابطه میان متغیرهای مستقل و وابسته مورد سنجش قرار گرفته است.

یافته‌ها

فرضیه اول: به نظر می‌رسد بین میزان تحصیلات مراجعین و ارتکاب جرم رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج استفاده از آزمون خی دو و v کرامر حاکی از آن است که بین دو متغیر تحصیلات با ارتکاب جرم رابطه معناداری وجود دارد. چنانچه ارقام مندرج در جدول زیر نشان می‌دهد ۵۰ درصد از افراد دارای تحصیلات زیر دیپلم به ارتکاب جرایم گرایش داشته و در مقابل ۸/۳ درصد از افراد فوق دیپلم مرتکب جرم شده‌اند. بنابراین این آمار نشان می‌دهد که میزان گرایش به ارتکاب جرم در بین افراد دارای تحصیلات زیر دیپلم بیشتر می‌باشد.

جدول۲. رابطه بین تحصیلات و ارتکاب جرم

تحصیلات	بی‌سواد	زیر دیپلم	دیپلم	فوق دیپلم و بالاتر	جمع
ارتکاب جرم	%۲۱	%۵۰	%۲۵	%۳/۸	۱۰۰

خی دو: ۱۳/۴ s=۰/۰۵

وی کرامر:۰/۲۸ s=۰/۰۵

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین وضعیت تاهل مراجعین و ارتکاب جرم رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج استفاده از آزمون خی دو و v کرامر حاکی از آن است که بین دو متغیر وضعیت تاهل با ارتکاب جرم رابطه معناداری وجود دارد. چنانچه ارقام مندرج در جدول زیر نشان می‌دهد ۴۸ درصد از افراد مجرد به مرتکب جرم شده و در مقابل افراد عقد کرده با ۹/۱کمترین درصد گرایش به ارتکاب جرم را داشته‌اند. بنابراین این آمار نشان می‌دهد که میزان گرایش به ارتکاب جرم در بین افراد مجرد بیشتر می‌باشد.

جدول۳. رابطه وضعیت تأهل و ارتکاب جرم

وضعیت تاهل	مجرد	متاهل	متارکه	طلاق	عقدکرده	جمع
ارتکاب جرم	%۴۸	%۴۲	%۳/۸	%۳/۸	%۱/۹	۱۰۰

خی دو: ۱۳/۲ ۰/۰۱=s

وی کرامر:۰/۲۴ ۰/۰۱=s

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد بین وضعیت اشتغال مراجعین و ارتکاب جرم رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج استفاده از آزمون خی دو و v کرامر حاکی از آن است که بین دو متغیر وضعیت اشتغال با ارتکاب جرم رابطه معناداری وجود دارد .چنانچه ارقام مندرج در جدول نشانگر آن است که ۸۶ درصد از افراد بیکار و دارای درآمد پایین مرتکب جرم شده و در مقابل افراد شاغل۱۴ درصد از افراد شاغل ودارای درآمد متوسط گرایش به ارتکاب جرم داشته‌اند، بنابراین این آمار نشان می‌دهد که میزان گرایش به ارتکاب جرم در بین افراد بیکار بیشتر می‌باشد.

جدول۴. رابطه بین وضعیت اشتغال و ارتکاب جرم

وضعیت اشتغال	بیکار	شاغل	جمع
ارتکاب جرم	%۸۶	%۱۴	۱۰۰

خی دو: ۱۱/۸ ۰/۰۱=s

وی کرامر:۰/۲۶ ۰/۰۱=s

فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد بین وضعیت اختلال روانی در مراجعین مراجعین و ارتکاب جرم رابطه معناداری وجود دارد

نتایج استفاده از آزمون خی دو و v کرامر نشان می‌دهد که بین دو متغیر سابقه اختلال روانی با ارتکاب جرم رابطه معناداری وجود دارد.چنانچه ارقام نشان می‌دهد ۵۳

شماره ۳
سال اول
بهار ۱۴۰۱

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

درصد از افراد شرکت‌کننده در آزمون بر اساس آزمون mmpi دارای اختلال شخصیت بوده، که مرتکب جرم شده‌اند و در مقابل ۲/۴۶ درصد از افراد بدون سابقه اختلال روانی، به ارتکاب جرم گرایش داشته‌اند بنابراین این آمار نشان می‌دهد که میزان گرایش به ارتکاب جرم در بین افراد دارای اختلال روان‌شناختی بیشتر می‌باشد.

جدول۵. رابطه بین سابقه اختلال روانی و ارتکاب جرم

سابقه اختلال روان	دارد	ندارد	جمع
ارتکاب جرم	%۵۳/۸	%۴۶/۲	۱۰۰

خی دو: ۱۱/۹ S=۰/۰۵
وی کرامر:۰/۲۵ S=۰/۰۵

فرضیه پنجم: به نظر می‌رسد بین سابقه اعتیاد و مصرف مواد مخدر در مراجعین وخانواده‌های آنان ارتکاب جرم رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج استفاده از آزمون خی دو و v کرامر نشان می‌دهد که بین دو متغیر سابقه اعتیاد در متهمان و خانواده‌های آنها و ارتکاب جرم رابطه معناداری وجود دارد ارقام نشن می‌دهد ۶۸ درصد از افرادی که مرتکب جرم شده اند سابقه اعتیاد در خود و خانواده داشته و در مقابل ۳۲درصد از افراد سابقه سوء مصرف مواد داشته‌اند بنابراین این آمار نشان می‌دهد که میزان گرایش به ارتکاب جرم در بین افرادی که سابقه سوء مصرف موادمخدر در آنها و خانواده‌های آنها وجود داشته، بیشتر می‌باشد.

جدول۶. رابطه بین سابقه اعتیاد و ارتکاب جرم

سابقه اختلال روان	دارد	ندارد	جمع
ارتکاب جرم	%۶۸	%۳۲	۱۰۰

خی دو: ۱۴/۳ S=۰/۰۵
وی کرامر:۰/۲۱ S=۰/۰۵

فرضیه پنجم: به نظر می‌رسد بین وضعیت سکونت مراجعین و ارتکاب جرم رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج استفاده از آزمون خی دو و v کرامر نشان می‌دهد که بین دو متغیر حاشیه نشینی و ارتکاب جرم رابطه معناداری وجود دارد. چنانچه ارقام مندرج در جدول زیر نشان می‌دهد ۴/۶۹ درصد از افرادی که مرتکب جرم شده‌اند در حاشیه شهر سکونت داشته و در مقابل ۶/۳۰ درصد از افراد در مرکز شهر ساکن بوده‌اند بنابراین این آمار نشان می‌دهد که میزان گرایش به ارتکاب جرم در بین افراد ی که محل اسکان آنها در حاشیه شهر بوده است، بیشتر می‌باشد.

شماره ۳
سال اول
بهار ۱۴۰۱

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

جدول۷. رابطه بین وضعیت سکونت و ارتکاب جرم

وضعیت سکونت	حاشیه شهر	مرکز شهر	جمع
ارتکاب جرم	%۶۹/۴	%۳۰/۶	۱۰۰

خی دو: ۱۲/۰ s=۰/۰۱
وی کرامر:۰/۳۱ s=۰/۰۱

نتیجه‌گیری

مطابق فرضیه‌های مطرح شده هیچ جامعه‌ای نمی تواند ادعای سلامت کند، چنانچه از خانواده سالم برخوردار نباشد، ویا هیچ یک از آسیب‌های اجتماعی نیست که فارغ از تاثیر خانواده پدید آمده باشد. اگر در خانواده شاهد خشونت باشیم، این امر یک پیام دارد و آن چیزی جز رشد خشونت در سطح جامعه نیست. بنابراین اهمیت خانواده و نقش آن در اجتماعی کردن افراد و نیز در انتقال ارزش، فرهنگ، سنت‌های اجتماعی امری است که باید در تمام برنامه‌ریزی‌ها وسیاست‌گذاری‌ها در نظر گرفت.

مسائل اقتصادی، بیکاری در دسته مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی به شمار می‌روند "فقر به معنای عدم تکافوی ضروریات زندگی است (ستوده:۶۵،۱۳۸۳). فقر یکی از عوامل به وجود آورنده جرم است که در فرد تهیدست عقده حقارت ایجاد می‌کند .در خانواده‌هایی که در کنار هم زندگی می‌کنند و از لحاظ سکونت در مضیقه هستند، به و یه در نقاط پرجمعیت شهری که چندین نفر مجبور در زندگی در یک اتاق هستند، استعداد بزهکاری بیشتر است. و این افراد واجد آمادگی بیشتری برای ارتکاب جرم هستند (همان:۶۶) محله‌های مسکونی غیرمتعارفی که از آن تحت عنوان حاشیه‌نشینی یاد می‌شود به علت محدودیت دسترسی به امکانات شهری، از جمله بهداشت، درمان، آموزش، اشتغال زمینه مساعدی را برای ارتکاب جرم فراهم می‌نماید. افراد ساکن در این مناطق به علت تراکم جعیت، شکاف طبقاتی و محدودیت در دسترسی به امکانات راه‌های نامشروع را برای دست‌یابی به اهداف و تامین هزینه‌های زندگی بر می‌گزینند.

بی‌شک با توسعه جوامع و صنعتی شدن، تغییر در اعتقادات و باورهای مردم، تغییر در سبک زندگی، نوسانات اقتصادی، گسترش شکاف طبقاتی، محرومیت اجتماعی، فراهم نبودن فرصت‌های دسترسی برابر به امکانات زندگی، و شکاف بین اهداف و وسایل دست‌یابی به اهداف مطابق نظر جامعه‌شناس مطرح در زمینه بی‌سازمانی اجتماعی مرتن، لزوم شناخت پیشینه زندگی افراد در تصمیم‌گیری‌های قضائی و در نظر گرفتن موضوع پیشگیری ثانویه ار جرایم، پیش از پیش احساس می‌شود.

از سوی دیگر از نقطه نظر روان‌شناسی هر انسانی دارای شخصیت خاص خود می‌باشد بنابراین مطابق فرضیه چهارم موضوع توجه به این موضوع در روند رسیدگی‌های قضائی و تعیین حدود مجازات‌ها می‌تواند گامی موثر در جهت باز اجتماعی شدن

شماره ۳
سال اول
بهار ۱۴۰۱

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

افراد باشد. چرا که انتخاب نوع واکنش برای مجرم منوط به شناسائی شخصیت متهم پیش از محکومیت است (یزدیان جعفری ۵۳:۱۳۸۳). بدون تردید اگر مهم‌ترین اهداف مجازات‌های کیفری را بازپروری مجرم بدانیم لاجرم لزوم بهره‌گیری از پرونده شخصیت در رسیدگی‌های کیفری تصمیم‌گیران کیفری را به اعمال مجازات‌های متناسب با شرایط مجرمِ سوق خواهد داد. چنانچه بر اساس ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری، صراحتاً بر این مورد اشاره شده است. «در جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد یا تعزیر درجه چهار و بالاتر است و همچنین در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها ثلث دیه کامل مجنیٌ‌علیه یا بیش از آن است، بازپرس مکلف است در حین انجام تحقیقات، دستور تشکیل پرونده شخصیت متهم را به واحد مددکاری اجتماعی صادر کند. این پرونده که به صورت مجزا از پرونده عمل مجرمانه تشکیل می‌شود، حاوی مطالب زیر است: الف- گزارش مددکار اجتماعی در خصوص وضع مادی، خانوادگی و اجتماعی متهم. ب- گزارش پزشکی و روان‌پزشکی"

پرونده شخصیت می‌تواند در تمام مراحل دادرسی به ویژه در طرح تحقیقات مقدماتی مفید و موثر باشد. اطلاع از حقایق مربوط به متهم موجب می‌شود که از همان ابتدا، قاضی را در طرح سوالات و بازجویی، روش های مناسب فردی را به کار گیرد و واکنش مناسب با شخصیت فرد مرتکب جرم اعمال نماید (نجفی توانا:۶،۱۳۸۸). موضوع پیشگیری از طریق اجرای قانون جزایی مطابق نظر تونری و فرینگتون امری است که کنش‌های افراد را تحت تاثیر قرار داده و با ارائه مراقبت‌ها و حمایت‌ها از وقوع کنش‌های مجرمانه ممانعت به عمل خواهد آورد. لزوم پیشگیری ثانویه بر تغییر کسانی که سابقه ارتکاب جرم داشته و احتمال قوی وجود دارد که مجددا" مرتکب جرم شوند، و یا تعبیر دیگر دارای هویت مجرمانه بوده و مطابق نظریه برچسب‌زنی، انگ مجرم بر آنها وارد شده است، در مرحله اولیه انحراف، افراد از هنجارهای اجتماعی سر می‌تابند، ولی برچسب نمی‌خورند. انراف ثانوی زمانی رخ می‌دهد که رفتار انحرافی توسط دیگر افراد چون خانواده، دوستان، مقامات، دادگاه و... آشکار می‌گردد. به تعبیر گارفینکل (۱۹۵۶) این مرحله مراسم بی‌آبرویی خوانده می‌شود که شخص محکوم به عمل انحرافی شده و سرزنش و مجازات می‌شود و از آن پس رفتار وی شکل انحرافی پیداکرده و ناهمنوایی‌های مداوم را آغاز می‌کند.

وروواک[1] در کنگره جهانی علم زندان‌ها اظهار داشت « دیگر غیر ممکن است که دون مطالعه علمی قبلی و بدون روش صحیح و عمیق و گسترده در مورد هر بزه ارتکابی و هر واقعه رخ داده، بتوان یک درمان منطقی و عقلانی موثری را درباره بزهکار تجویز نمود» (نجفی توانا، ۴۸:۱۳۹۰).

1. Vervaeck

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

این موارد بر اهمیت و جایگاه توجه به پیشینه اجتماعی و روانی متهمان تاکید دارد تا از این طریق زمینه‌های جرم زدایی از طریق اقدامات توان‌بخشی و باز اجتماعی‌سازی افراد فراهم شود.

پیشگیری اجتماعی به عنوان مداخله زودرس در محیط اجتماعی افراد در مددکاری اجتماعی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و اهمیت پیشگیری به جهت حذف زمینه‌های ارتکاب جرم امری است که در حقوق کیفری مدنظر باشد. در این میان پیشگیری اجتماعی به عنوان پیشگیری جامعه‌مدار با به کارگیری اقدام‌های غیر قهرآمیز اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی در محیط‌های مختلف، درصدد از بین بردن عوامل محیطی جرم‌زا یا حداقل کاهش تاثیر آن‌ها بر افراد است (نجفی ابر آبادی،۱۳۸۳:۵۷۳). در توصیفی دیگر پیشگیری جامعه‌مدار با توجه به این انگاره که گونه‌های مختلف محیط بر نظام رفتاری افراد تاثیرگذار هستند، بر استفاده از اقدام‌های غیرقهری محیط مدار به منظور زدودن یا کاهش تاثیر عوامل جرم‌زا تمرکز می‌کند. از این رو، اقدام‌های ناظر بر آموزش و پرورش، اشتغال‌زائی، فقرزدائی، تهیه مسکن برای شهروندان، ایجاد رفاه اجتماعی و اقتصادی که نقش موثری در فرایند شکل‌گیری شخصیت افراد ایفا می‌کند، در چارچوب این نوع پیشگیری جای می‌گیرند (siegel,2009:200). فعالیت مددکاران اجتماعی در جهت تامین منابع و امکانات اجتماعی و پیشگیری از کژکارکردی‌های اجتماعی و ایجاد شرایط اجتماعی مساعد جهت دستیابی به اهداف، یک گام اساسی در راستای پیشگیری‌های اجتماعی است. مطابق اصول ۲۹،۳۰ و ۳۱ قانون اساسی حق برخورداری از تامین اجتماعی، حق برخورداری از مسکن و حق برخورداری از آموزش رایگان، زمینه ساز احقاق پیشگیری اجتماعی از جرایم خواهد بود. بدون تردید مددکاران اجتماعی با اقدامات اجتماع محور زمینه را برای بازنگری در مباحث پیشگیری فراهم نموده و گامی موثر در احقاق حقوق شهروندی برخواهند داشت. تاکید مددکاران اجتماعی بر پیشگیری‌های کنشی و غیر کیفری و مداخله موثر در محیط اجتماعی که اجتماعی کردن افراد را بر عهده دارد با اتخاذ تصمیمات به موقع و پرداختن به اصول رشد و توسعه محلی، برنامه ریزی اجتماعی و اقدام اجتماعی بر اساس مباجق مطرح شده در جهت‌گیری‌های روتمن، مددکاران اجتماعی را به عنوان یک عامل موثر در فرایند مداخلات اجتماع محور تبدیل می‌سازد. درنظر داشتن اصل مشارکت در مددکاری اجتماعی به عنوان یکی از اصول مهم این حرفه در فعالیت‌های اجتماع محور، نسبت به دیگر روش‌های مددکاری اجتماعی، اهمیت دو چندان داشته و یکی از ملزومات مداخلات اجتماع محور تلقی می‌شود.

نقاط قوت پژوهش

- تاکید بر لزوم تنظیم و اجرای احتمالی برنامه‌های اصلاح و درمان مجرمان با رویکرد مددکاری اجتماعی

شماره ۳
سال اول
بهار ۱۴۰۱

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

- تاکید بر نقش برنامه‌های پیشگیری جامعه مدار و کنشی در کنترل و کاهش رفتارهای مجرمانه
- تاکید بر اهمیت حضور مددکاران اجتماعی در تحقق عدالت اجتماعی و تاثیرگذاری آنها متناسب سازی جرم و مجازات
- تاکید بر ضرورت فردی کردن مجازات ها متناسب با علل و زمینه‌های ارتکاب رفتار مجرمانه

محدودیت‌های پژوهش

تحت‌الحفظ بودن متهمان در زمان مراجعه به مددکاران اجتماعی ادارات بهزیستی
وجود سوگیری‌هایی در نحوه پاسخگویی به علت حضور مستمر مامورین انتظامی در زمان تکمیل پرسشنامه‌ها و مصاحبه

پیشنهادات

تبیین اهمیت حضور مددکاران و متخصصین اجتماعی و روان شناسی جهت ارزیابی‌های مستمر بالینی و اجتماعی مرتکبان جرم و مطالعه منسجم و پیوسته شخصیت متهمان
تبیین کیفیت تاثیرگذاری تشکیل پرونده شخصیت در نهادهای عدالت کیفری با انجام پژوهش‌های کاربردی
جایگزین ساختن اقدامات تامینی و تربیتی جهت اصلاح تفکر و نگرش افراد مرتکب جرم با ابزارهای کیفری چون محکومیت
رفع موانع قانونی و قضائی و اجرایی در جهت عملیاتی شدن پرونده شخصیت
انجام بررسی‌های کارشناسی و تخصصی از طریق متخصصین روانی و اجتماعی به منظور اعمال تخفیف در مجازات، اعطای آزادی مشروط به منظور اطمینان از اصلاح و عدم بازگشت و تکرار جرم
آموزش کارشناسان قضایی و انتظامی در زمینه ضرورت تشکیل پرونده شخصیت و تاثیر آن در اتخاذ تصمیمات قضایی
توجه به اهمیت پیشگیری اجتماعی در فرایند رسیدگی‌های قضائی

منابع

۱. اتکینسون و هیلگارد(۱۳۹۲)، زمینه روان‌شناسی. تهران: انتشارات ارجمند.
۲. احمدی خراسانی،نوشین(۱۳۷۷).جنس دوم، مجموعه مقالات، مقاله زن و مواد مخدر در ایران وجلد چهارم.تهران: چاپ غزال.
۳. پور احمد، احمد؛ رهنمایی، محمد تقی؛ کلانتری، محسن. (۱۳۸۲) " بررسی جغرافیایی جرایم در شهر تهران" فصلنامه پژوهش های جغرافیایی، ش۴۴
۴. دانش تاج زمان، (۱۳۸۴)،مجرم کیست جرم‌شناسی چیست؟، مؤسسه کیهان.

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

۵. سام آرام، عزت الله؛(۱۳۹۲)، نظریه‌های مددکاری اجتماعی، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ دوم.
۶. ستوده، هدایت الله،(۱۳۹۵)، آسیب‌شناسی اجتماعی، چاپ بیست و پنجم،،تهران،موسسه انتشارات آوای نور.
۷. سلیمی، علی؛ داوری، محمد،(۱۳۸۶)، جامعه شناسی کج روی، قم، انتشارات حوزه و دانشگاه کلدی، علیرضا، انحراف، جرم و پیشگیری، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۲،شماره ۲.
۸. کی نیا، مهدی (۱۳۸۴)، روان‌شناسی جنایی، جلد اول،چاپ پنجم، انتشارات رشد.
۹. ممتاز، فریده، (۱۳۸۱)؛ انحرافات اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها " تهران.
۱۰. مسنر، استیون اف. و ریچارد روزنفلد (۱۳۹۲) "نظریهٔ آنومی نهادی: تبیین جامعه شناختی کلان جرم"، ترجمهٔ علی موسی‌نژاد، پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر؛ سال دوم، شماره۳.
۱۱. مرتن، رابرت (۱۳۷۸) «ساختار اجتماعی و بی‌هنجاری»، در نظریه‌های بنیادی جامعه شناختی، لوئیس کوزر و برنارد روزنبرگ، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی، ۴۳۱ـ۴۴۰.
۱۲. نجفی توانا، علی، (۱۳۹۰)، جرم‌شناسی، چاپ دهم، تهران، انتشارات آموزش و سنجش.
۱۳. وینفری، لیثم تامس، (۱۳۸۸)، نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه سید رضا افتخاری، چاپ اول، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد، نشر مرندیز.
۱۴. یزدیان جعفری، جعفر (۱۳۸۵)، اصل فردی کردن مجازات‌ها؛ تبعیض فاحش یا عدالتی عادلانه‌تر، سال سوم، شماره ۱۱.

1. A Agnew,Robert(1992),Foundation for a General Strain Theory of Delinquency , Social Forces64(1)PP.151-168.
2. Jensen,G.F.2003.”social organization Theory”.in: Wight,R.A Encyclopedia of Criminology.New York:FITZROY Publishers.
3. Hagan.john. (1998).modern criminolojy,new York.McGraw-Hill
4. Sigel.Larry. (2017).Criminology: theories, patterns and typologies Tamson- Wadsworth.
5. Sigel.Larry.j.criminology.thomson and wad worth publication (2002).

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]